

حجاب در نگاهی نو

محمد مصطفی مختار

تمدنهای بسیاری تاکنون پدید آمده و سپس از میان رفته اند، که هریک نقش خاص خود را در جهت پیشبرد فرهنگ بشری یا نابودی و عقب ماندگی آن ایفا کرده است و سپس جامعه دیگری پس از خود بر جای نهاده که مدتی در سرزمینی حاکم بوده است.

در عصر کنونی جز پنج نوع جامعه از آن همه باقی نمانده است ۱ که عبارتند از:

الف. جامعه مسیحیت غربی.

ب. جامعه مسیحیت ارتدکس.

ج. جامعه اسلامی.

د. جامعه هندو.

ه. جامعه خاور دور.

داوری درباره یک فرد - وابسته به هر تمدن و فرهنگ یا هر زمان و مکان که باشد - که آیا انسانی متمدن یا وحشی است، بر پایه ابزار و وسایلی که در خدمت گرفته نیست، بلکه به لحاظ نوع رفتاری است که با تمدن و فرهنگ عام انسانی یا فرهنگ خاص خود دارد. ۲

بنابر این انسان متمدن ۳ کسی است که میراث فرهنگی خود را پاس می دارد و تحول در آن پدید می آورد و از فرهنگ دیگران درست ترین را برمی گزیند و نسل نو را براساس آن تربیت کرده، فرهنگ را یکسره بدو می سپارد.

اما انسان غیرمتمدن ۴ کسی است که میراث فرهنگی را تباه می کند یا از فرهنگ دیگران بدون گزینش و ارزیابی برمی گیرد، در پیروی از فرهنگی که به آن وابسته است با زمان همزیستی ندارد؛ یا تمدن خود را در پای نوگرایی قربانی می کند، یا نسل نو را از فرهنگ و میراث گذشته محروم می سازد.

حجاب جزئی از تمدن، فرهنگ، آداب و رسوم اسلامی و شریعت الهی است. به فرض آن که از حجاب به عنوان دستوری الهی که مخالفت با آن حرام و موجب عذاب اخروی است چشم پوشی کنیم و آثار بی حجابی را نادیده بگیریم، باز هم به عنوان کسانی که به تمدن اسلامی نسبت داریم باید از حجاب پاسداری و نگهبانی کنیم.

از دیر باز تاکنون که غرب بر سرزمینهای اسلامی چیره بوده تاکنون، ما از غرب در اندیشه ها، دیدگاه ها، باورها، رفتارها و مکتبهای هنری، سیاسی و اقتصادی تقلید می کنیم؛ حتی اگر از اسلام سخن بگوئید. امروز که غرب در جست و جوی ریشه هایش و در پی بازگشت به آنهاست، در نتیجه راستگرایان جدید، نونازی ها و فاشیست ها در فرانسه و آلمان و ایتالیا ظهور کرده و خواهند کرد. چرا ما از غرب در این رویکرد تازه اش تقلید نکنیم و "اسلام گرایان نو" نشویم.

این کار هرگز ما را وانی دارد که به دوگانه پرستی ها یا آداب و رسوم و جشنها و پایکوبی ها و نغمه های نغمه گران دفن شده در اعماق تاریخ باز گردیم. چنان که ما را ناگزیر از بنیان نهادن گروه ها، سازمانها، کنگره ها، سمینارها و جست و جوی رهبران نمی سازد، زیرا جایگاه رهبری و مرجعیت

شناخته شده است. در حوزه های علمی ده ها محقق و استاد در آستانه مرجعیت به سر می برند، شخصیت‌هایی مؤثر که فرهنگ‌های جهانی را بررسی کرده نتایج آن را بر آیین اسلام عرضه می دارند، هر آنچه شرع می پسندد برگزیده و هر چه را نمی پسندد دور می ریزند. همه این تلاشها بر پایه دلیلهای شرعی برگرفته از قرآن و سنت ناب و پشتوانه چهارده قرن تجربه پژوهش و کنکاش صورت می گیرد و میلیونها تن از فرزندان امت اسلامی را پشت سر خود دارد. بلکه بازگشت به اسلام، در واقع بازگشت به بلندای یکتا پرستی در عقیده، اخلاق و رفتار است؛ بازگشت به ریشه های اصیل خودمان؛ به قرآن، سنت، جامعه، اقتصاد، فلسفه، فرهنگ، تمدن، هنرها و پوششهای خودمان، و در این میان، بازگشت زن به حجاب خویش است.

و سرانجام اینکه گزینش عنوان «حجاب نو» به منظور تناسب با عنوان بازگشت به میراث کهن یا راستگرایی جدید یا نونازیسیم یا نو فاشیسم در اروپا بوده است، اما حجاب نو همانند تمسک به قرآن کریم با (بازگشت به اسلام ناب محمدی) تناسب دارد، به همین دلیل عنوانی را که در آغاز آمد برگزیدیم.

ماهیت و حقیقت حجاب

حجاب چیست؟ پیش از پرداختن به خوبیها و بدیها و آثار و پیامدها و نقش و سود و زیان حجاب، باید نخست معنای آن را مشخص کنیم.

آیا حجاب، تکه پارچه ای است که به شکلی خاص دوخته شده تا بدن زن را بپوشاند، حال هر جا، هر گاه و با هر شکل و رنگ؟ یا حجاب نوعی رفتار است، یا حجاب آمیخته ای از پوشش و رفتار است؟ یا حجاب، حقیقتی است که به صورت رفتار و پوشش خاص نمودار می شود و تجلی می یابد.

نگارنده دیدگاه اخیر را برمی گزیند؛ حجاب چیزی است که زن را وامی دارد تا قسمتهایی را که تحریک کننده غرایز مرد است، خواه در جسم یا رفتار یا صدا و گفتار بپوشاند. حجاب همان زیوری است که زن به خود می گیرد، تا مانع از تحریک غرایز مردان شود. به عبارت دیگر حجاب خواسته ای فطری در درون زن برای پوشاندن مظاهر زنانگی وی است.

زن و مرد هر دو در انسانیت مشترک اند. ۵ هر دو موجودی زنده، آگاه به خود و پیرامون خود، و هر دو دارای کالبد مادی اند. اختلاف زن با مرد در چیزی است که انوئت (زنانگی) خوانده می شود و اختلاف مرد با زن نیز در چیزی است که مردانگی نام دارد که هر یک از انوئت و ذکورت، ویژگیهای برونی و درونی را افزون بر طبیعت انسان به وجود می آورد. یعنی:

مرد ▪ انسان ▪ ذکورت، و زن ▪ انسان ▪ انوئت.

هریک از زن و مرد در صورتی که خود و جایگاهش را بشناسد، نقشی بسزا در چرخه پیشرفت و آسایش بشریت دارد، چنان که بدون شناخت خود و جایگاه خود، نقش زیادی در ویران سازی زمین و نابود کردن تمدن و وخامت حال و روز بشریت خواهند داشت. خداوند متعال می فرماید:

«هو أنشأكم من الأرض و استعمرکم فیها» هود / ۶۱

او شمارا از زمین پدید آورد و به آبادگری آن واداشت.

و یا می فرماید: «ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت أیدی الناس» روم / ۴۱

به خاطر رفتار و کردار مردم، تباهی خشکی و دریا را فراگرفت.

وقتی خداوند در عرصه زندگی مشترک زن و مرد می فرماید: «الرجال قوامون على النساء» (نساء / ۳۴)؛ مردان بایستی بر زنان در زندگی زناشویی قوامیت داشته باشند، ۶ همان گونه می فرماید: بهشت و نعمتهایش همانند تکالیف، هم برای زن و هم برای مرد است.

بلی در تکلیفهای شرعی مرد مورد خطاب مستقیم خداوند است و بر زن - جز در موارد خاص خود - از رهگذر خطاب به مرد تکلیف می شود. خداوند می فرماید:

«يا آدم اسكن أنت و زوجك و كلامنها رغداً حيث شئتما و لاتقربا هذه الشجرة فتكونا من الظالمين» بقره / ۳۵

ای آدم! تو و همسرت در بهشت بیارامید و از نعمتهای آن، از هر چه که خود خواسته اید به خوشی و فراوانی بهره برید، و به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید شد.

به هر حال ما حقیقت حجاب را چنین می یابیم که حجاب، شرم و حیایی است که زن بدان آراسته است، زیرا هیچ زنی را نمی توان یافت که هیچ حیا نداشته باشد. بلی همه ما نیازمندیم که کسی ما را برانگیزاند و به مرحله ظهور برساند، زیرا حیا بذری است که در وجود هر زنی کاشته شده است. خداوند متعال می فرماید:

«إلا على أزواجهم... فإنهم غير ملومين» مؤمنون / ۶

مگر در مورد زنانشان... که در این صورت نکوهیده نخواهند بود.

این بذر حیا اگر زمینه مناسب همراه با تربیت و مراقبت برایش مهیا شود به زودی رشد می کند و میوه رفتارش به بار می نشیند. چنان که ممکن است همچون دانه ای به حال خود باقی بماند و یا رشدی ناقص و بی ثمر داشته باشد. این دانه اگر در زمینی مناسب و با دستان تربیت پرورش یابد، میوه حجاب را به بار خواهد نشانند، چنان که عکس این حالت نیز امکان دارد.

حجابی که به معنای حیا و پنهان داشتن جلوه های زنانه است، فراگیرتر از حجاب شرعی اسلامی است که شامل هر وسیله پوششی است که زن به کار می گیرد، گرچه با شکل غیر شرعی باشد.

نمونه هایی از حجاب غیر شرعی

الف. شلوار (مردانه): شلوار نوعی پوشش مردانه است که گاه زنان در خیابان، محل کار و دانشگاه و مدرسه می پوشند. این پوشش جز نوعی از نمادحیای زن نیست، ولی با همانند مرد شدن، زنانگی زن را دگرگون کرده است.

ب. لباسهای گشادی که زنان به تن می کنند، که نوعی از حجاب ناقص است.

ج. جمع کردن و بالا زدن موها که نوعی آرایش معمولی در میان زنان است، به جای آن که موها را رها بگذارند که کاملاً آشکار باشد. این شیوه نوعی حجاب است که اسلام آن را نمی پذیرد (و کافی نمی داند).

زنان رنگ سیاه را از میان رنگها بهتر می پسندند، زیرا این رنگ در هر قسمت از پوشش زن به کار رود بدن را بیشتر و بهتر می پوشاند.

حجاب اسلامی

اگر بخواهیم از مظاهر حیای زن مسلمان سخن بگوییم، بی تردید از حجاب کامل سخن خواهیم گفت؛ حجابی که نمونه سخن خداوند متعال در آیات چندی است:

۱. «یدنین علیهنّ من جلابیبهنّ» احزاب / ۵۹

زنان پوششهای خود را فروتر گیرند.

۲. «ولیضرنّ بخرهنّ علی جیوبهنّ و لا یدین زینتهنّ» نور / ۳۱

و زنان بایستی روسری هاشان را بر گریبان بیندازند و زینت خویش را آشکار نسازند.

۳. «و لا تبرّجن تبرّج الجاهلیة الأولى» احزاب / ۳۳

و همانند زینت نمایی روزگار جاهلیت پیشین زینت نمایی نکنید.

۴. «و لایضرنّ بأرجلهنّ»

چنان پای نکوبند که زینتهای پنهانشان آشکار شود.

۵. «فلا تخضعن بالقول...» احزاب / ۳۲

پس در سخن نرمی نکنید.

۶. «یغضنّ من أبصارهنّ» نور / ۳۱

دیدگان شان را فروگذارند، تا دستاوردهای مهمی در جامعه تحقق یابد، از جمله «والحافظین

فروجهم و الحافظات»؛ مردان نگاهبان عورت خویش و نیز زنان نگاهبان.

پس حجاب طبیعی و کامل همان است که قرآن کریم ذکر کرده است؛ همان چیزی که زن

مسلمان را از غیرمسلمان جدا می کند. و در این میان مرد نیز نقش ویژه خود را دارد. پس حیایی که

در هر زنی وجود دارد، در زن مسلمان زمینه های رشد و پرورش آن بیشتر فراهم است که از جمله آن

زمینه ها می توان از امور زیر نام برد:

الف. پوشاندن بدن، به جز جاهایی که شریعت مقدس اجازه داده است.

ب. پنهان داشتن زینتها؛ پس زن نبایستی لباسهای رنگارنگ، بدن نما، لباسهای نازک و جلب توجه

کننده یا جواهرات و زیور آلاتی که آشکار است و چیزهایی که هنگام راه رفتن صدا ایجاد می کند

بپوشد.

ج. سخن گفتن با جدیت و بدون نرمی و شوخی در گفتار، جز با همسر یا یکی از محارم.

اسلام در پی کاشتن بذر حیا در وجود زن است و می کوشد آن را بیروراند، حال آن که زن غربی

حال و روزی عکس این دارد. به طور معمول بذر حیا در زن غربی از بین می رود و یا رشدی ناسالم می

یابد و یا پرورشی بی نتیجه دارد که به صورت پوشیدن شلوار مردانه یا پوششهای تیره نمایان می شود

و سرانجام بذر حیا به تدریج در طول زمانهای دراز در رهگذر دیگر نسلها نابود می شود و در نتیجه زن

بخشی از ویژگیهای زنانه خود را از دست داده به بی بند و باری می رسد، چنان که در غرب رسیده

ودچار پیامدهایی چون نابودی نسل و بیماریها و تجاوزها و... می شود و تا آنجا پیش می رود که

تجاوز به حقوق زنان از بارزترین مشخصه های زندگی این عصر می شود.

اما زن مسلمان، از آن رو که پایبند پوشش اسلامی خود است، بذر حیا در وی پرورش می یابد و

این تجربه در طول نسلهای آینده هر روز بارورتر می شود، تا آنجا که زن مسلمان بیشترین تلاش را در

نگاهبانی از خویشتن می کند و در مسیر عصمت قرار می گیرد.

گرچه رسیدن به مقام حضرت زهرا(ع) و حضرت خدیجه و زینب - درود خدا بر ایشان - بس دشوار است، ولی حرکت در این مسیر جز با پیروی از ایشان در عرصه نگرهبانی از مظاهر زنانه که بیشترین نمود آن در حجاب اسلامی است امکان پذیر نیست.

حجاب، انگیزه ها و دغدغه ها

در این روزگار دشوار که امت اسلامی راهی دراز در پیروی و تقلید از غرب پیموده و جز جایگاه مرجعیت و حوزه ها و نهادهایی که از طریق عالمان و رهبران دینی به دفاع از اسلام ناب محمدی (ص) و ترویج آن می پردازند و گاه به صورت بنیادها یا مقاومت ها و خیزشهایی در این جهت یا به صورت رعایت حجاب اسلامی نمود دارند، همه و همه در مسیر تقلید از غرب ره می پویند. زن برای پایبندی به حجاب جز رضای خدا و حفظ ارزشهای اسلامی انگیزه ای ندارد و این انگیزه را با رفتار و پوشش خود نشان می دهد.

زن مسلمان پایبند به حجاب، یک نگرانی بیشتر ندارد؛ محرومیت از آزادی، مانند هر انسان محروم از آزادی. اکنون اگر این محرومیت براساس باورها و اصول ارزشی باشد چه باید کرد. بسیاری با ابزارهای گوناگون در پی نابودی آزادی زن مسلمان اند، این تلاشها با همه گوناگونی شکلها و نمونها یک تفسیر بیشتر ندارد، نابود کردن حجاب؛ چنان که خداوند می فرماید:

«كز ع أخرج شطأه فأزره فاستغلظ فاستوی علی سوجه یعجب الزراع لیغیظ بهم الكفار» فتح /

۲۹

به سان نهالی که جوانه برآورد و آن را نیرومند سازد و ستبر گردد و بر ساقه هایش بایستد و کشاورزان را شاد و شگفت زده سازد تا کافران را به خشم آورد. تمام قصه همین است؛ دشمنی با حجاب، جدا از برنامه ریزی های استکبار، تا آنجا که به صحنه زندگی و عملکرد مردم مربوط است، یک تفسیر بیشتر ندارد که همان احساس نفرت و خشم است، زیرا انسان هر قدر که تکبر ورزد باز هم خود را می شناسد.

«بل الانسان علی نفسه بصیرة» قیامت / ۱۴

بلکه انسان به نفس خود آگاه است.

معارضان با حجاب می دانند که افرادی بزدل و ترسو هستند و هیچ گاه استقلال را ندارند و پیرو و طفیلی دیگرانند.

«وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِن بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا

تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ» بقره/ ۱۰۹

بسیاری از اهل کتاب با آن که حق بر ایشان آشکار شده است، از سر رشکی که در دل دارند، خوش دارند که شما را پس از ایمانتان کافر گردانند.

«رَبِّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ» حجر/ ۲

چه بسا کافران آرزو کنند که کاش مسلمان بودند.

پایبندی زن مسلمان به حجاب در این زمان که کنار نهادن حجاب و تقلید از زن غربی، فوایدی را همچون منافع اقتصادی از طریق ایجاد فرصتهای کاری در عرصه های فراوان و یا فواید سیاسی و اجتماعی دارد؛ هیچ دلیلی جز کسب رضای الهی ندارد. در زمانی که رئیس جمهور در حکومتی که در

دامان غرب قرارداد نمی تواند زنی با حجاب باشد. حتی نمایندگی پارلمان دموکراتیک - اگر چه به شیوه الجزایری - یا رئیس جمعیت زنان یا خیریه ها نیز نمی تواند زنی با حجاب باشد. زن مسلمانی که با حفظ حجاب خواهان رضای خداوند است، و این امر به او شخصیتی اصیل و مستقل می دهد، اما در عرصه های سیاسی و اجتماعی کشورهای پیرو غرب بهای سنگینی باید بپردازد. ولی ایستادگی زن در برخورد با این محدودیتها از چند جهت در زندگی دنیوی او مفید است:

الف. با حفظ حجاب، معنای این آیه شریفه شامل حال زن نمی شود:

«و من أعرض عن ذكرى فإنّ له معيشةً ضنكاً» طه/۱۲۴

هرکس که از یاد من روی برتابد، به تنگنای زندگی دچار آید.

ب. در برابر، مصداق این آیه شریفه می شود:

«من عمل صالحاً من ذكر أو أنثى و هو مؤمن فلنحيينه حياةً طيبةً» نحل/۹۷

هر مؤمن مرد یا زنی که کار شایسته انجام دهد او را به حیات طیبه زنده می داریم.

ج. زنی که حجاب اسلامی را به طور کامل رعایت می کند، جایگاهی همچون مرجعیت حوزه های علمیه، یا گروه های «مقاومت» و «انتفاضه» می یابد:

«و من يعمل مثقال ذرّة خيراً يره» زلزال/۷

هر آن کس که ذره ای کار نیک انجام دهد، آن را ببیند.

انگیزه دیگر زن مسلمانی که حجاب را به خاطر رضای خداوند حفظ می کند این است که زن، انسان است، و انسان به طور طبیعی میل و تلاش به سوی کمال دارد. و زن می داند که حجاب کمال اوست و بی حجابی مایه نقصانش که این مسأله به داشتن یا نداشتن حیا یا باور و یقینی که زن را وادار به حفظ حجاب می کند، می انجامد.

رضای خداوند متعال و جایگاه شناسی کمال زن، همان چیزی است که او را وادار به رعایت حجاب اسلامی می کند. اگر چه این تحفظ برای او مشکلات و سختی هایی به بار می آورد.

حجاب و چالشهای امروز

از جمله چیزهایی که انسان را جذب خود می کند، آخرین اختراعات و دستاوردهای ابزاری بشری است که همواره زندگی را آسان تر و آسوده تر می سازد. آگاهی یافتن از مشخصات دستاوردهای تازه، همان چیزی است که شرکتها و کارخانجات به شدت بر سر آن به رقابت می پردازند تا بازارهای سرمایه گذاری خود را تضمین کنند.

اما در رابطه با باورها و مذاهب، مطلب بر عکس است. در این زمینه بیشتر، اهداف حقیقی پنهان می ماند و مکاتب و مذاهب با عناوینی همچون روزآمد، امروزی، پیشرفته، استقلال، آزادی و... ارائه می شوند.

ابزارهای روشنایی از وسایل ابتدایی گرفته تا دستگاه های الکتریکی که در نیروگاه های هسته ای تولید می شود، بسیار تفاوت کرده است. این بسیار مهم است که انسان که از هزاران سال پیش حیوانات را برای سواری اهلی می کرد، اکنون با یک وسیله بارها به فضا صعود می کند. در آن روزگار نامه رسانی کاری بس مشکل بود که با وجود خطرات بسیار برای نامه رسان نیاز به هفته ها زمان داشت. اما اکنون وسائل ارتباطی بیشتر به دنیای خیال و افسانه و شگفتی ها می ماند. روزگار این

است، همه چیز آن در حال دگرگونی و تغییر است، ولی انسان همان انسان است و هیچ تغییری نکرده است. ما نمی توانیم انسانی را که هزار سال پیش می زیسته بدوی و بی فرهنگ بنامیم و انسان کنونی را متمدن و فرهنگ دوست بخوانیم؛ تنها به خاطر بود و نبود ابزارهای الکتریکی و حمل و نقل و ارتباطات. و اگر این ملاک تمدن و پیشرفت باشد، پس از هزار سال ما نیز افرادی غیرمتمدن و بی فرهنگ نامیده می شویم.

پس اختراعات به انسان جایگاه و صفت انسانیت نمی دهد؛ انسان همان انسان است، با همان نیازها، خواسته ها، دردها و آرزوها. آنچه امروزه تفاوت کرده ابزار و راه های پاسخگویی به نیازها و خواسته ها است.

اما در طول تاریخ انسان در زمینه اصول و ارزشها چالشهای فراوانی داشته است و در طول تاریخ فرهنگها، تمدنها به گونه ای با یکدیگر تفاوت داشته اند.

حکومت اسلامی که رسول مکرم اسلام(ص) آن را بنا نهاد با سه امپراطوری بزرگ معاصر خود رودررو بود که یا باید فرهنگ اسلامی پایدار و پابرجا می ماند و بر اساس آن تمدنی به وجود می آمد و یا در برابر سه تمدن دیگر به ویژه تمدن ایران و روم که در نزدیکی مرزهای اسلامی قرار داشت نابود می شد و از بین می رفت.

اما با عنایت خداوند و سخت کوشی و مجاهدت پیامبران و یاوران ایشان در طول تاریخ و به خاطر خون شهیدان و ایستادگی پیامبر و خاندان و یاران بزرگوارش، نتیجه به گونه ای دیگر رقم خورد؛ تمدن اسلامی پدید آمد و دو امپراطوری رقیب خرد شده و از بین رفتند و تمدن اسلامی باگذر از تمدن هندی به دروازه های تمدن چینی رسید.

اینک حجاب جزئی از فرهنگ الهی و تمدن اسلامی است. وجود حجاب به صورت پدیده ای فراگیر بین مسلمانان، نشانگر این است که فرهنگ اسلامی در عرصه تمدنهای جهانی از موقعیت و جایگاهی نیرومندی برخوردار است. از طرفی کاهش جلوه حجاب نمایانگر این است که فرهنگ اسلامی در رقابت و مبارزه طلبی با دیگر فرهنگها ناتوان شده است و رواج بی حجابی دلیل بر پیروزی دیگر فرهنگها و تمدنهای غیراسلامی است. تمام قصه این است که امروزه تمدن اسلامی رودرروی دیگر تمدنها می ایستد و نشانه های اسلام و دین که حجاب نیز یکی از آنهاست، همه پایدار و پا برجا می ماند و یا چیزی از فرهنگ و تمدن اسلامی باقی نخواهد ماند.

بی حجابی پدیده خطرناکی است که به ما اعلام خطر می کند؛ خطر از بین رفتن موقعیتهای تازه ای از فرهنگ اسلامی به نفع تمدنهای دیگر را. این زمانه نیست که دعوت به رقابت می کند، بلکه تمدنهای عصر یکدیگر را به مبارزه می طلبند، حجاب با دستاوردهای زمانه، اختراعات، سیطره بر علوم و فنون و صنایع ناسازگار نیست. مبارزه طلبی تمدنهای دنیا به این معنی است که آیا دستی که ابزار روز را به خدمت می گیرد به اسلام ناب محمدی(ص) پایبند است یا خیر؟ و اگر این امکانات دست یک زن است، آیا با حجاب است یا بی حجاب؟ غرب با این مسأله مخالف است. ۸.

اما در جهان اسلام مهم ترین چالش که حجاب با آن روبروست این است که گفته می شود در گذشته زن از وابستگی اقتصادی و اجتماعی به مرد رنج می برد، ولی زندگی خانوادگی پابرجا بود و چند همسری رواج داشت. جامعه اسلامی از سنگینی مهریه ها دچار مشکل شد، اما باز هم بنیاد

خانواده پربرجا بود، ولی امروزه دنیای اسلام به آداب و رسوم غربی گرفتار شده، از جمله آزادی، با معنی هایی که از نظر غرب دارد؛ آزادی در پوشش و خوراک و آشامیدن و مصرف.

بی اعتنایی به حجاب پیدا شد و همزمان با رواج غرب گرایی به شکلی وحشتناک عزوبت ها و بی همسری های طولانی یا همیشگی را در پی داشت. در این شرایط ازدواج دیرهنگام، جزئی از زندگی مرد و زن جامعه اسلامی شده، چیزی که در کشورهای اسلامی سابقه نداشته است.

در چنین شرایطی برگ برنده حجاب آن است که همچون راهکاری برای ازدواج به هنگام مطرح شود. به زعم نگارنده بی حجابی علت اصلی و قطعی تجردهای طولانی یا همیشگی و ازدواج های دیرهنگام در کشورهای اسلامی است. بی حجابی باعث بی توجهی مرد به زن به عنوان یک همسر شده و دیگر زن نه به عنوان همسر بلکه به عنوان یک دوست برای او مطرح است.

زن برای مرد رؤیایی بود که جز با ازدواج شرعی تحقق نمی یافت، اما امروز به دلیل پدیده بی حجابی و برهنگی قسمت‌های بسیاری از بدن و آرایشهایی که جز برای شوهر انجام نمی شد و زیبایی زنانه در دسترس همگان و همه جا هست. و مصیبتی که از این رهگذر پدید آمده گریبان زن و مرد را به یک اندازه گرفته است. و اگر وضع به همین روال پیش رود نتیجه درست همان خواهد بود که اکنون در غرب است.

آیا حجاب می تواند آثار این مصیبت بزرگ را بزداید.

بدین گونه، چالشهای زمان در برابر حجاب را می فهمیم و مشکلاتی را که یا باید حجاب آن را حل کند یا در برابر آن به زانو درآید.

حجاب اصلتگرایی است، و بی حجابی تقلید

هیچ کس منکر آن نیست که وضع حجاب در جهان اسلام به جایی رسیده که اگر یک زن مسلمان با حجاب کامل اسلامی ظاهر شود انگشت نما خواهد بود، چنان که در گذشته نه چندان دور، بی حجابی این گونه بود. چرا چنین وضعی پیش آمده است:

پاسخهای گوناگونی مطرح است که هر یک از نقطه نظر خود درست است، اما این گونه می توان پاسخ داد این همه یک علت دارد با نمودهای گوناگون؛ پیروی از غرب که به صورت فشارهای روانی و اجتماعی بر زن مسلمان نمودار می شود. آنچه گفته شد در همه زمینه های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دیده می شود. بنابراین جامعه اسلامی به جامعه ای دنباله رو، مقلد و خوار و ذلیل تبدیل شده، مگر آن که خداوند رحمی کند.

پس از بررسی نظری مشکل، از عوامل فشارهای روانی و اجتماعی که سبب پس رفت حجاب در جهان اسلام شده سخن می گوئیم.

یک. ابزارهای تبلیغی^۹

الف. رسانه های تبلیغی مانند روزنامه ها، نشریات، رادیو و تلویزیون تلاش گسترده ای در جهت نشر خبرهای مربوط به فروشندگان لوازم آرایشی، تبلیغ کالا، ملکه های زیبایی، بازیگران، خوانندگان، رقاصه ها و ... و دارایی ها و درآمدهای افسانه ای آنها دارند. نیاز به شاهد آوردن نیست، یک بار مراجعه به هر نشریه هر چند بسیار وزین در سطح کشور (لبنان یا دیگر کشورهای عربی) یا شنیدن

یک برنامه، درستی یا نادرستی این ادعا را اثبات می کند. و این چنین است که ثروت را در گرو برهنگی معرفی کرده اند.

ب. با وجود رسانه تلویزیون، برای رسیدن به این هدف که فرهنگ برهنگی جزئی از زندگی روزمره شود، دیگر نیازی به برنامه های خاص و فیلمها و تبلیغات و ترانه ها... نیست. البته نقش ویدئو و آنتن های ماهواره را در راستای این فرهنگ نباید از یاد برد.

طبیعی است که هر وسیله تبلیغاتی بر کسانی که آن را می بینند و از آن پیروی می کنند، به طور مستقیم و غیرمستقیم اثراتی می گذارد که در خیابان، دانشگاه و کارگاه ها دیده می شود، جایی که فرهنگ برهنگی به عرفی رایج تبدیل شده است.

ج. فیلمها و برنامه های تلویزیونی در کشورهای اسلامی، معمولاً حجاب را همراه با بیچارگی و فقر نمایش می دهند؛ زنان پست و ناتوان، خدمتکار، زندانی و بدکاره های شکست خورده را به صورت زنان با حجاب نشان می دهند و زنان سرشناس و ممتاز را با لباس شنا... و در هیأت بانوی خانه و مسؤول مراکز و خوشبخت و سرشناس و موفق و تحصیل کرده و مدیر نشان می دهند.

بدین ترتیب توانایی، موفقیت، علم و دانش با برهنگی توأمان می شود که نتایج این گونه تبلیغات نیز روشن و واضح است.

د. چه بسا در پخش اخبار ملاحظه می کنیم که بی حجابی با جاه و مقام نیز ربط دارد! بدین گونه که رؤسای جمهور، وزیران، نمایندگان، کارفرمایان و زنان با شخصیت و مؤثر در تشکلهای و افراد فعال در عرصه های اجتماعی و امور خیریه، همسران سیاستمداران، کارمندان، دانشمندان، ادیبان، همه و همه زنانی بی حجاب اند که با کمترین پوشش و با جواهر آلات زینتی زنانه به نمایش در می آیند.

ه. گاه بی حجابی با شرف و شادی و خوشبختی نیز همراه می شود، بدین گونه که در مجلات هنری، زندگی هنرپیشه ها، ستاره های تئاتر و رادیو و تلویزیون و سینما و ورزش پر از سرمستی، سفرهای هوایی و گردشها و خوشگذرانی ها همراه با برهنگی و بی بندوباری عرضه می شود.

و. شبکه های تلویزیونی در بین روز و در ساعات کار مردان، برنامه های شگفت و هیجان آوری ویژه زنان پخش می کنند که یکسره به دست غریبزدگان ساخته شده اند؛ راه حل مشکلات زنان را با عناوینی مانند امور مربوط به زن، مشکلات زنان، زن و قانون و... مطرح می کنند که به طور غیرمستقیم زن را جذب غرب می کند.

ز. از سویی، بی حجابی با توانمندی و جوانی ارتباط داده می شود؛ در مجلات ورزشی فراوانی قهرمانان ورزشی زن را همانند شخصیت های افسانه ای به تصویر می کشند. بدون توجه به پیامدها و آثار منفی آن بر جسم زن و اینکه چگونه با قدرت و خشونت دست و پنجه نرم می کنند. و در این بین توجه او را به لباسهایی جلب می کنند که از بین برنده حیا است، بدون اینکه در این رهگذر اشاره ای به بیماریها و آسیبهای موجود در میان این گونه ورزشکاران شود.

دو. سستی در پایبندی به حجاب و تشویق آیندگان به بی حجابی.

سه. توسعه و ترویج مراکز خوشگذرانی؛ مانند سالنهای ورزش، رقص، شنای مختلط، کافه ها و

هتلها و...

چهار. پیوند دادن آزادی به بی حجابی، تحصیل و کار (استقلال اقتصادی زن) از سالهای متمادی و

با ابزارهای گوناگون.

پنج. ناآشنایی بسیاری از زنان با حجاب کامل اسلامی. بسیاری با حجاب ناقص و اندک دیده می شوند و تصور می کنند حجاب کامل اسلامی همین است.

شش. اهمیت ندادن مرد به حجاب زن که بر اثر آن زن نیز به حجاب بی اعتنا می شود. اگر حجاب نزد مرد مطلوب باشد، نزد زن نیز مطلوب خواهد بود. مردان با غیرت، زنان با حجاب دارند. هفت. مبارزات بسیاری از سازمانها و ارگانهای به ظاهر اسلامی با حجاب به ویژه و با دین و ایمان به طور عام، از راه تلاش در اشاعه بی بند وباری، بدون اینکه ذره ای مورد تعرض و بازخواست قرار گیرند.

خلاصه اینکه فرهنگ برهنگی، با شهرت، ثروت، اقتدار، توانمندی، دانش، شگفتی آفرینی، قهرمانی و حمایت های حکومتی پیوند داده شده است. آیا چنین جامعه غربزده ای زن محجبه را زیر فشار قرار نمی دهد؟!

در جامعه ای که غرب زدگان می خواهند مشکلات را حل کنند و به برهنگی فرامی خوانند و از هر سو دروازه های عریانی گشوده می شود و اقتصاد و سیاست و تبلیغاتش غرب زده است، چگونه می توانیم از زنان بخواهیم که دنباله رو دیگران نباشند و به اصالت خود و به زن بودن و مسلمان بودن خود بازگردند. در جامعه ما که در همه ساعات روز و همه روزهای سال از فرق سر تا ناخن انگشت پا دنباله رو غرب است، چگونه از زن بخواهیم که اصیل باشد. برای حل مشکل زن و مشکل حجاب و رهاسازی او از اسارت تقلید از غرب باید همه جامعه از بند تقلید غرب رها شوند و به اصالت خود باز گردند.

حجاب، آزادی، تحصیل، کار، استقلال و اقتصاد

یکی از خطراتی که امروزه زندگی ما را تهدید می کند، تلاشی است که دشمنان اسلام و انسانیت در غافلگیر کردن ما دارند. امروزه در نتیجه توسعه و پیشرفت ابزارهای تبلیغاتی و اطلاع رسانی، مسأله غافلگیری جزئی از زندگی ما شده است که به صورت شعارها و مفاهیم انسانی مرموزی در پس پرده با اهدافی پلید و پست مطرح می شود.

در این زمینه دو نکته درباره حجاب زن مطرح می شود:

نکته اول ۱۰

زن باید از دوره محرومیت آزاد شود؛ دانش بیاموزد و کار کند تا از نظر اقتصادی و اجتماعی از مردان بی نیاز باشد؛ بانویی آزاد و بزرگوار، نه فردی دنباله رو، خوار و بی ارزش. تا زمانی که دختران جوان بی سواد باشند و به مدرک علمی دست نیابند و خود هزینه زندگی خود را با کار به دست نیاورند همواره زبون و بی ارزش خواهند بود!

پیش از هر چیز، نخست باید معانی این واژه ها به خوبی روشن شوند: دوره محرومیت، کار، استقلال اقتصادی، آزادی، بی سواد، دانش، خوار و ...

دوره محرومیت: توضیح این واژه پیش از این گذشت، مراد از آن همان روزگاری است که زن در عرصه اقتصادی و اجتماعی طفیلی مرد بود، زیرا زن تحصیل کرده و کارورز نبود تا هزینه خود را تأمین کند.

کارورزی: به معنای فعالیت اقتصادی است که درآمدزا باشد.

استقلال اقتصادی: معنایی واضح دارد، از خلال سخن این گونه بر می آید که استقلال اقتصادی آزادی یا زمینه آزادی است. بی نیازی اقتصادی زن از دو راه فراهم می شود؛ تحصیل و دستیابی به درجات عالی علمی، و کار و فعالیت اقتصادی.

زن تحصیل کرده و کارمند آزاد است و در امور مالی نیازی به مرد ندارد. این خود استقلال اجتماعی را نیز به دنبال می آورد.

این سخن را بسیاری از فرزندان جامعه اسلامی که اکنون خود صاحب فرزند و نوه هستند شنیده و پذیرفته اند. اما حقیقت این گفتار چیزی جز مغالطه - به اصطلاح اهل فن و تحلیل منطقی - نیست ۱۱؛ زیرا:

الف. ریشه این سخن یک اصطلاح و جریان تاریخی است به نام دوره محرومیت و داستانی که پس از سقوط دولت عثمانی به وجود آمد. نیازی به سخن گفتن از جریان «حرملک» نیست که از ابتدای تاریخ بر عالم حکومت می کند، یا یادآوری نقش زن در فرهنگها و تمدنها، یا این نکته که تبلیغات غربی از یک ماجرای کوچک، افسانه ای بزرگ می تراشند، تا بر اساس منفعت خود، شیطان را معیار همه چیز نشان دهند.

ب. این ادعا نوعی دگماتیسم است، ۱۲ به این بیان که نسبت بین آزادی و استقلال اجتماعی یکی است ۱۳. یا به تعبیر اهل منطق، هر زن آزادی کار می کند و هر زن زبون و بی ارزشی غیر کارمند است. شاید مقصود این است که آزادی لازمه ذاتی کار کردن است ۱۴ و جز با آن به دست نمی آید. گویا ایشان اصرار بر این دارند که حقیقت آزادی همسان استقلال اقتصادی است، همان گونه که اهل منطق در مورد انسان می گویند؛ انسان حیوان ناطق است، پس در نهایت آموزش ضروری شمرده نشده و تنها ملاک آزادی همان فعالیت اقتصادی قلمداد شده است. طبیعتاً علت این تغییر در نظریه این است که در این روزگار - جز موارد اندک - زن درس نخوانده و بی سواد پیدا نمی شود. یا اگر هم هست در سنین بالا هستند و نمی شود آنها را با چنین سخنانی به بازی گرفت.

در حقیقت، نادانی، آزادی، کار و استقلال اقتصادی معانی متخالفی هستند ۱۵ که گاه ممکن است همه در یک زمان و مکان در یک مصداق جمع شوند و گاهی نیز هیچ کدام نباشند.

پیش از اینکه بگوییم چه معنایی از این مطالب برداشت می کنیم، بایستی گفت فراخوانی زن به اشتغال آن گونه که غرب و پیروانش مطرح می کنند، هدفی جز بیرون آوردن زن از خانه اش ندارد؛ خواه این زن، دختر باشد یا همسر و یا مادر. داوری درباره درستی این تحلیل در پایان این نوشتار روشن خواهد شد. به نظر ما جهل به معنای ناتوانی در خواندن، نوشتن و کسب مدارج عالی نیست. با اینکه بر سر سخن رسول اکرم(ص) در لزوم علم اندوزی مرد و زن هیچ اختلافی نیست، زیرا در لزوم اطاعت آن همین بس است که امر از منصب نبوت صادر شده است. اما با این حال نباید فراموش کرد که دعوت به علم اندوزی مقدمه ای است برای رهایی از جهل و نادانی و رسیدن به درجه معرفت، نه دانش فقط. اگر علم برای غیرمسلمان، هدف نهایی به شمار می رود، برای مسلمان جز مرحله ای ابتدایی و مقدماتی نیست، تا انسان از آن به عنوان پایه و پله آغازین برای رسیدن به معرفت بگذرد.

از نظر اسلام، علم اندوزی مرد و زن، مرحله ای اندک در رسیدن به کمال انسانی است که به عنوان اولین پله و گذرگاه برای رسیدن انسان به مقام شناخت خود و خدا و اسرار و رموز هستی لازم است.

جهل، حالتی است که انسان را از پاسخگویی این پرسشها ناتوان می سازد: انسان کیست؟ حقیقتش چیست؟ این هستی چیست؟ سرانجام آن کجاست؟ از کجا به کجا؟ چرا؟ چگونه؟ کی؟... ۱۶

ممکن است انسانی بدون خواندن و نوشتن به پاسخ این پرسشها از انسان و هستی دست یابد. اما خواندن و نوشتن و درجات عالیه، مقدمات بالا رفتن از پلکان معرفت است. هرکس بیشتر بداند و برای رسیدن به معرفت بیشتر تلاش کند، معرفتش بیشتر خواهد بود. نادان کسی است که خود، خدای خود و اسرار هستی را نشناسد. علم و معرفت آن است که انسان، خود و خدا و اسرار هستی را بشناسد. با این بیان معنای آزادی قابل فهم می شود: آزادی، عقل و اراده است که می توان از دو راه آن را تبیین کرد:

اول. معنای عرفی آزادی آن است که برجان و مال و آبرو و ناموس مردم و امنیت و آسایش ایشان (با دروغ و فریب و پنهان کاری) تجاوز نشود؛ و دیگر هرکاری که خواست انجام دهد.

دوم. معنای شرعی و دینی آزادی آن است که ترک واجب و انجام حرامی در رابطه با مردم، خود و یا خدا از انسان سر نزنند.

ذلت نیز به یکی از دو معنی است: یا اینکه انسان حق را می شناسد و از حق گویی و درست کرداری بازداشته می شود. و یا اینکه حق را می شناسد و از حق گویی و درستکاری خودداری می ورزد. ذلت به معنای بی اراده بودن در مسیر حق گفتن و درست عمل کردن است.

در هر صورت گاهی انسانی که از نظر مالی و اقتصادی بی نیاز است خوار و ذلیل است، و گاهی انسان فقیر، آزاد و بزرگوار است. گاه فرد درس نخوانده عارف است و گاه انسان تحصیل کرده نادانی بیش نیست.

آزادی، عقل و اراده ای است که از جمله دستاوردهای آن بی نیازی اقتصادی است. پس این سخن که تنها بی نیازی مالی است که به انسان آزادی می دهد، درحقیقت ارزش دادن به ثروت بیش از عقل و اراده است. و البته این در غرب سخن شگفتی نیست، زیرا انسان غربی تمدن او تمدن مادی است.

نکته دوم

زن نیمی از جامعه است که اگر کار نکنند نیمی از توانایی تولید جامعه هدر می رود و موجب از کارافتادن چرخه پیشرفت اقتصادی جامعه می شود.

در مورد قسمت اول شبهه باید گفت: اینکه زن نیمی از جامعه است، تنها نیمی از حقیقت مطلب است، نه تمام آن، حقیقت کامل این است که وقتی زن درخانه پدرش باشد، نیمی از جامعه به شمار می رود، اما وقتی که درخانه همسرش قرار می گیرد او بیشتر از نصف جامعه است، زیرا ناکامی ها و توفیقات مرد، در سطح گسترده و غیرقابل انکار وابسته به زن خواهد بود. پس زن در حالی که خود نیمی از جامعه است تأثیر مهمی بر نیمه دیگر جامعه دارد.

و بخش دیگر حقیقت این است که به محض اینکه زن مادر شد، او یک جامعه جداگانه و کامل می شود. از این رو می توان گفت؛ زن نیمی از جامعه و مادر یک جامعه کامل است.

پس زنی که فرزندانش را به مهد کودک می سپارد و یا صلاحیت تربیت نسل آینده را ندارد، یک جامعه کامل را نابود می کند. زبانی که از تولید نداشتن یک زن کارمند، امروزه متوجه جامعه می شود بسیار ناچیزتر از آسیبی است که در آینده به یک جامعه کامل وارد می شود. پس این ادعا که: «عدم

اشتغال زن موجب از بین رفتن نیمی از توان تولید جامعه می شود» بایستی در کنار مسأله تربیت فرزندان، حفظ بنیان خانواده و حمایت از یک جامعه کامل در آینده سنجیده شود.

در حقیقت ادعاهای یادشده هیچ هدفی جز بیرون کشیدن زن از خانه اش در بیشتر ساعات روز به بهانه فعالیت اقتصادی ندارد. البته در اینجا دیگر نیازی نیست که به بررسی محیطهای کار و مؤسسات عمومی بپردازیم و سخن از اتفاقاتی که در راه رسیدن به درآمدهای فردی و اجتماعی در داد و ستدها رخ می دهد به میان آوریم.

زنی که بیشتر ساعات روز را در فضایی تحت حاکمیت مردان سودجو از هر راه ممکن (دروغ، نیرنگ، فریب، سخنان آن چنانی) به سر می برد، ارزشی جز به اندازه ابزارآلات تولید کننده و سرمایه های عرضه شده که مرتباً دست به دست می شوند ندارد. حالت روحی و روانی چنین زنی که در این فضاها به سر می برد چگونه خواهد بود وقتی که به خانه بر می گردد، چه کسی در ساعات نبود او کودکانش را تربیت می کند؟

اسلام و فعالیت اقتصادی زن

مطلب قابل توجه این است که اسلام به پایبندی به حجاب دستور می دهد و زن مخاطب اسلام، بایستی محجبه باشد. زن با پایبندی کامل به دستورات اسلام بویژه حجاب می تواند به فعالیت اقتصادی بپردازد.

دیدگاه اسلام نسبت به اشتغال زنان عیناً همان نظری است که نسبت به کار مردان دارد. احکام حلال و حرام و مباح اسلام در همه زمینه ها یکسان است ۱۷ و هیچ ایرادی به اصل فعالیت اقتصادی زن - البته در کارهای مجاز - نیست.

در موارد مجاز کار و کسب، در هیچ جای شریعت گفته نشده که این کار برای برخی جایز و برای دیگران حرام است؛ جز همان مواردی که خداوند بر مرد و زن به طور یکسان حرام کرده است. تمام فریادهای آزادی خواهی و خودکفایی اقتصادی و نسبت حجاب با کار اقتصادی زن را می توان از نظر اسلام در موارد زیر خلاصه کرد:

الف. زنان باید در مقابل مردان (به جز شوهر و محارم) به حجاب اسلامی پایبند باشند.

ب. هر کاری که از اشتغالات غیرمجاز نباشد و از گستره معاملات اقتصادی ذکر شده در رساله های عملی خارج نباشد، برای مردان و زنان جایز است.

اکنون چه نسبتی میان حجاب و کارکردن، یا حجاب و آزادی، و یا آزادی و اشتغال وجود دارد؟ قرآن کریم در این باره آیاتی دارد:

۱. «للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن» نساء/۳۲

مردان را از کارکرد خویش بهره ای است، و زنان را نیز بهره ای از کارکردشان.

سید فضل الله در کتاب «من وحی القرآن» سخنی لطیف دارد:

«انسان بدون تلاش نمی تواند دسترنج دیگران را بدون حق طلب کند، زیرا این حق که فرد برای

خود قائل می شود، هیچ پایه و اساسی ندارد.» ۱۸

سخن بر سر مرد تنها نیست، بلکه مسأله کسب و کار مطرح است. زنان نیز مانند مردان همین حق را دارند. آنان نیز مالک ثمراتی هستند که از رهگذر تلاش اقتصادی در هر زمینه ای به دست می آورند؛ هیچ کس نمی تواند این حق را از ایشان بگیرد یا به ناحق آن را به خود اختصاص دهد.

۲. «یا ایها الذین آمنوا لایحلّ لکم أن تراثوا النساء کرهاً» نساء/۱۹

ای مؤمنان بر شما روا نیست که از زن برخلاف میل آنان ارث برید.

۳. «و اتوا النساء صدقاتهنّ نحلهً فإن طبن لکم عن شیء منه نفساً فکلوه هنیئاً مریتاً»

مهر زنان را با خوشدلی به ایشان بدهید، ولی اگر چیزی از آن را با طیب و خوشی خاطر به شما بخشیدند، آن را نوشین و گوارا بخورید.

اسلامی که حجاب را بر زن واجب کرده است، اختصاص یافتن درآمد تلاش اقتصادی زن به خود او را نیز معتبر دانسته است. طبیعی امر برای هر انسانی نیز همین است. پس جای هیچ خرده گیری نیست که آیا زن سزاوار حقوق مالی خود هست یا خیر. بلکه قرآن گام پیش می نهد تا به مرد بگوید، حقوق مالی زن را غصب مکن. این قرآن است که به چنین حقی اعتراف دارد و اسلام گذشته از اینکه کار زن را انکار نمی کند، خود به پاس داشتن آن امر می کند.

نگرش دقیق و دور از حاشیه روی و تعصب ورزی در مورد آیات مربوط به زنان، انسان را وادار می دارد که اعتراف کند اسلام در بسیاری از عرصه های حقوق زن پیشگام است که حجاب یکی از آنهاست و قرآن امر به حفظ آن می کند.

با همین دقت و نگاه دقیق به تبلیغات غربی در جهت طغیان و سرپیچی و استقلال زن مسلمان و زن غیرغربی به صورت عام به همان شیوه غربی و غافلگیرکننده که با دو مثال بیان شد، هر انسانی وادار به اعتراف به این مطلب می شود که هدف از این تبلیغات، اغفال گری زن و فروپاشی حیات خانواده و جامعه است. چنان که در غرب نیز چنین است.

سخن آخر در باب اشتغال زنان

کارکردن زن با حفظ حجاب هیچ ناسازگاری ندارد و این دو ضدین نیستند ۱۹. ممکن است زنی هم با حجاب باشد و هم کارمند، و یا کارمند باشد و بی حجاب. چنان که ممکن است پای بند به حجاب باشد، و کار نکند و یا هم بی حجاب باشد و هم بیکار.

تلاش در ربط دادن هر یک از این دو موضوع به دیگری یا یکی را دلیل و لازمه دیگری دانستن، فریبکاری آشکار و روشن است، بنابراین باید گفت:

یک. حجاب با کارکردن زن در عرصه های کاری زیربنا عنوان نمونه - و نه ذکر همه زمینه ها - هیچ ناسازگاری ندارد.

۱. پزشکی، در رشته زنان و یا کودکان. ۲. تدریس. ۳. کارکردن در هنرهای تجسمی، تزئینی و یا صنایع دستی. ۴. فعالیت در عرصه های علمی، ادبی، پژوهشهای تاریخی و سیاسی و...

هرگاه زن به این کارها علاقه داشته باشد و یا از خود ابتکاری نشان دهد و یا نقطه ضعفی را پوشش داده و جبران کند، در فضاهای علمی و اخلاقی و دور از مشاغل بی ضابطه و قانون، نمی توان او را از فعالیت در این موارد نهی کرد.

دو. تا زمانی که کسی عهده دار هزینه زن نباشد و یا درآمد او کفاف گذران زندگی اش را نکند هیچ ایرادی بر اشتغال زن نیست، البته تا آن گاه که زیانی بزرگ تر از نیاز مادی را در پی نداشته باشد. اما اگر مردی باشد که عهده دار هزینه باشد و زن با کار کردن فرصت شغلی را از یک مرد بگیرد، باید دید از میان جامعه های زیر کدام یک بهتر است:

- جامعه ای که در آن زن در خانه می نشیند و مرد تمام طول روز را به کار می پردازد.

- جامعه ای که در آن مرد و زن نیمی از طول روز را کار می کنند درحالی که عده ای از مردان بیکار هستند.

- جامعه ای که زن در آن تمام روز را کار می کند و در این بین مردان از بیکاری به جرم و خیانت و خلاف قانون دست می زنند.

سه. حجاب با کار زن در زمینه های عرضه لباس، تبلیغات، پیش خدمتی در رستورانها، مراکز تفریح و خوشگذرانی و مراکزی که در پی عرضه و گسترش زیبایی زن هستند ناسازگار است. چهار. هر کاری که زن به جای تربیت فرزندان و استحکام بخشی بنیان خانواده برمی گزیند، زیانهایی به بار می آورد که خانواده و جامعه توان آن را می پردازند. پیامدهای منفی این خسارتها در خانواده ها و جامعه های گوناگون، متفاوت است. اما در هر صورت این نسل جدید است که بیشترین توان را می پردازد با آن که گناه را او مرتکب نشده است.

باید نسبت به هر دعوتی هشیار باشیم، آن را بفهمیم و امور را با هم در نیامیزیم. هر فراخوانی درخور کنکاش نیست، باید در باورها، اصول ارزشی و یا اندیشه ها و مفاهیم وارداتی اندیشید. خداوند متعال می فرماید:

«فبشّر عبادِ الذین یستمعون القول فیَتَّبِعُونَ أحسنه أولئک الذین هداهم الله و أولئک هم أولوا الألباب» زمر/۱۶-۱۷

به آن بندگانم که سخنان را شنیده و سپس از بهترینش پیروی می کنند بشارت بده. ایشانند که خدایشان هدایت کرد و ایشانند صاحبان خرد.

راهکارهای ترویج پدیده حجاب در پرتو دستاوردهای جدید

نخستین چیزی که در برابر مجموعه ای از مشکلات به ذهن انسان خطور می کند، این است که ابتدا باید این مشکلات را درجه بندی کرد و خطرناک ترین را شناخت، سپس به طور جداگانه شروع به حل هر یک از مشکلات کرد. و گاه ایجاد می کند که راه حل کلی اندیشیده شود و بی درنگ اقداماتی انجام شود و پس از حل یک مشکل، به مشکلات کوچک تر پرداخته شود.

نگارنده نمی تواند مشکل بی حجابی را در ردیف مشکلات درجه اول امت اسلامی قرار دهد، ولی بر این باور است که استمرار بی حجابی به گسترش آن می انجامد و سرانجامی وحشتناک همانند غرب را در پی دارد؛ رواج و گسترش الکل، مواد مخدر، بی بند وباری، خشونت، جرم و جنایت و بیماریهای خطرناک و... در جامعه اسلامی.

امروزه بازگشت به حجاب اسلامی و رسیدن به آن به عنوان یک هدف، برچند محور پیشنهادی استوار است که ترتیب زمانی ندارند، بلکه همه موارد در حل مشکل بی حجابی در یک ردیف قرار دارند:

۱. محور بررسی های تئوریک و آماری؛

۲. محور تبلیغات؛

۳. محور تربیت؛

۴. محور عمل.

یک. در سطح نظری

به پاداشتن مراکز تحقیقاتی اسلامی با جدیدترین امکانات پژوهشی در عرصه اطلاعات یا دستگاه ها و تجهیزات و کادرها و طرحهایی که مهم ترین آنها عبارتند از:

الف. گردآوری و بررسی هر آنچه مربوط به شؤون زن در روزگار کنونی است.

ب. گردآوری همه مدارک مربوط به زن مسلمان از آغاز پیدایش پدیده غربزدگی تاکنون، اعم از کتابها، مجلات، مقالات، تبلیغات و نمایشنامه ها و فیلم ها.

ج. معرفی شخصیت های بزرگ از زنان مسلمان و غیرمسلمان و مقایسه آنها با یکدیگر و انتشار نتایج این سنجش (که برتری زن مسلمان را به اثبات خواهد رساند).

د. بررسی انواع و روشهای تبلیغی درباره زنان از هرگونه منبع و مرکزی که عرضه شده باشد، و همچنین نقد و ارزیابی آن و سپس اعلام نقاط قوت و ضعف آن، به جای آن که امت اسلامی در برابر این فراخوان ها تنها گذاشته شوند.

هـ. پس از نتیجه گیری از پژوهشهای یادشده، خط مشی هایی تعیین شود در جهت عکس برنامه هایی که برای تضعیف حجاب از آغاز تهاجم فکری و فرهنگی و نظامی و اقتصادی در کشورهای ما اجرا شده است.

دو. در عرصه تبلیغات

الف. آگاهی یافتن از هر طرح و برنامه ای که مربوط به زن است پس از بررسی و نقد این دستاوردها و در نهایت به کارگیری هرگونه ابزار تبلیغاتی ممکن برای طرح اندیشه های پاک اسلامی در مورد حجاب.

ب. تأسیس مراکز تبلیغاتی اسلامی مجهز به جدیدترین امکانات تبلیغاتی و به کارگیری همه شیوه های تبلیغاتی، روزنامه ها، مجلات، نوار کاست، ویدئو، فیلم، کتاب، قصه، شب شعر و ... که موجب استحکام فرهنگ اسلامی و حجاب شود.

سه. در محور تربیت و پرورش

الف. باید نسل گذشته را که عهده دار تربیت نسل آینده است مخاطب قرار داد و به ضرورت حجاب فراخواند، زیرا بی اعتقادی نسل گذشته که مربیان نسل جدیدند، به حجاب به این نسل نیز منتقل می شود.

ب. وادار کردن مردان به اهمیت دادن به مسأله حجاب.

ج. بازگشایی مهد کودک هایی که کودکان را بر خلاف تربیت غربی پرورش دهند.

د. گشایش مدرسه هایی با فضای اسلامی مناسب و شیوه های تدریس معتبر.

هد فراگیری علوم انسانی و اجتماعی از سوی زنان مسلمان تا همچون نمادی بلورین در برابر زن غرب زده مطرح باشند که اندیشه های غربی را با عنوان لائیک و بی دینی مطرح می کند. و آشنا کردن زن مسلمان با زندگی بسیاری از زنان سرشناس غرب که به تنهایی و در انزوای از جامعه زندگی کردند ۲۰. آیا زن مسلمان می پذیرد که چنین زن گوشه گیر و منزوی الگوی او شود؟ یا اینکه زن مسلمان موفقیت را کنار زندگی طبیعی ترجیح می دهد، نه موفقیتی که به قیمت انزوا و گوشه گیری در زندگی بشری وی تمام شود.

چهار. در مرحله عمل

الف. بایستی دختران مسلمان را درگذران اوقات فراغت و تفریح، راهنمایی کرد. زیرا دختران غربی برای آسایش، لذت بردن و خوشگذرانی امکانات فراوانی را در اختیار دارند. اما دختر مسلمان می خواهد پایبند به حجاب اسلامی باشد و آن را کنار نگذارد و نمی خواهد اوقات فراغت خود را در جاهایی بگذراند که درهای غربزدگی بر روی او گشوده و آماده است.

ب. بایستی به زن فهماند که زنان ممتاز و با حجاب و نمونه در فعالیتهای علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی وجود دارند و بدانند که حجاب با یک زندگی موفق و پیروزمند منافاتی ندارد.

ج. مطرح کردن حجاب به عنوان پیش درآمد روابط جنسی در ازدواج، و این چیزی است که طبع و فطرت آدمی می پسندد و اینکه بسیاری از تبلیغات و جنبشهای دینی و اجتماعی در تاریخ بوده اند که به خاطر دعوت به بی بندوباری سقوط کرده و از بین رفته اند؛ و بی حجابی مقدمه تاریخی بی بندوباری است؛ یعنی اینکه پایان راهی که نقطه آغاز آن بی حجابی است، بی بندوباری خواهد بود.

د. مطرح کردن حجاب به عنوان شعار و رمز تولدهای مشروع که این نیز مورد پذیرش طبیعت و فطرت انسانهاست. هیچ زن و مردی نمی یابیم که به سلامت نسل خود اهمیت ندهد، بجز کسانی که اختلال روانی دارند.

هـ. طرح حجاب به عنوان عامل از بین رفتن پدیده سقط جنین.

و. مطرح کردن حجاب به عنوان عنصر اهمیت دهنده به خانواده و فرزندان از راه بی اعتنایی به ظواهر و صرف نظر کردن از هزینه هایی که از درآمد خانواده صرف خرید لباسهای جدید و مد روز می شود.

ز. بررسی و آگاه سازی مردم نسبت به پیامدهای ناخوشایند بی توجهی به حجاب.

بی اعتنایی به حجاب عواقب وحشتناک پنهانی به دنبال دارد و زنان را به حال و روز کنونی زنان غربی دچار می کند. تا زمانی که زن، جوانی و زیبایی داشته باشد که بتوان از آن بهره گرفت و کام جویی کرد؛ زندگی رؤیایی دارد، اما وقتی اینها از دست رفت راهی جز تنهایی و افسردگی نخواهد داشت. آیا حال و روز زن غربی چیزی جز این است؟

زن غربی تبلور لذت و خوشی و درآمدهای اقتصادی است، ولی با از دست دادن آنچه گفته شد به گورستان تنهایی و بی توجهی تبدیل می شود؛ خداوند می فرماید:

«قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین» انعام/ ۱۱

بگو در زمین گردش کنید و بنگرید که عاقبت دروغ انگاران چگونه بوده است.

آینده حجاب

برای اینکه تأثیر رواج حجاب را در جهان دریابیم، بایستی جوامع بشری را به دو بخش تقسیم کنیم:

- جامعه ای که حجاب در آن رواج دارد و بی حجابی در آن غیر قانونی به شمار می رود.
 - جامعه ای که بی حجابی در آن رواج دارد؛ که این جامعه خود دو گونه است:
 - جامعه ای که هنوز به همه پیامدهای شوم بی حجابی دچار نشده است.
 - جامعه ای که غرق در بی بندوباری و لاپالی گری شده است.
- بنابراین در واقع سه نوع جامعه وجود خواهد داشت:
- یک. نخستین جامعه ای که می توان تصور کرد و در آینده دید ویژگیهای زیر را خواهد داشت:
 - الف. زن که از احترام بسیار بالایی برخوردار است، زیرا مرد برای رسیدن به او جز از راه های شرعی و آشکارا نمی تواند وارد شود.
 - ب. پنهان شدن یک پدیده؛ نابودسازی لوازم آرایشی که زن غربی برای رسیدن به آن شور و شوق فراوان دارد، در حالی که هیچ نتیجه اقتصادی برای جامعه و خانواده به دنبال ندارد.
 - ج. پنهان شدن نمادهای ظاهری زنان به گونه ای که تنها توانایی های معنوی و علمی شناخته شوند.
 - د. گسترش پدیده ازدواجهای زودهنگام و پایان دادن به ازدواجهای دیرهنگام و تجردهای همیشگی.
 - دو. در این گونه جوامع، حجاب جامعه را از وضعیتی که غرب به آن گرفتار آمده دور می کند و رسیدن به دستاوردهای ارزشمند پای بندی به حجاب را برای جامعه تضمین می کند.
 - سه. اما در قسم اخیر خیانتها در زندگی های زناشویی و روابط پنهان و آشکار پیش از ازدواج پنهان خواهند ماند و در سایه آن سقط جنین، بیماریهایی جنسی و طلاقهای معلول بدبینی شوهران آشکار نخواهد شد، تا اینکه جامعه به حالت مثبت و بهتری که یاد کردیم، تحوّل یابد.

سخن پایانی

مرد باید بداند که موفقیتهایی را که به دست می آورد مدیون زنان پاک و وفادار است. حال چه آن زن، مادر باشد یا همسرش. اگر چه این نقش آفرینی در کسب موفقیت مردان و صفحات تاریخ پنهان باشد.

زن بایستی سیره و منش زنان برجسته و در مسیر نبوت و عصمت از زمان حضرت آدم تا عصر غیبت کبری را بررسی کرده و آن را با وضع کنونی زنان از زمان شکوفایی تمدن بشری تا امروزه مقایسه کند و سپس رفتار خود را بر اساس دستاورد این بررسی تنظیم کند.

کشورهای اسلامی باید از تمام تمدن و فرهنگ اسلامی، دانشها و هنرها و صنایع و آداب و... حمایت و پشتیبانی کنند و دست از حمایت تبلیغات معارض با فرهنگ و تمدن اسلامی بردارند.

بر عالمان اسلامی به ویژه متخصصان علوم انسانی لازم است، برای فهم اسلام حقیقی در چنین زمانی که غرب چهره خانواده و زن را در اسلام با تبلیغات فاسد، زشت و تیره کرده، تصویری حقیقی و شفاف از زن مسلمان ارائه دهند.

بایستی جامعه اسلامی در تمام جوانب زندگی حتی پوشش و اثاث منزل و شیوه گذران اوقات فراغت و دیگر امور به اصالت‌های اسلامی خویش بازگردد.

۱. بنگرید به: آرنولد ژوزف تواین بی، مختصر دراسة التاريخ، چاپ قاهره، ۱۹۹۶ میلادی، ۱/۱۴.
۲. منبع معینی را نمی توان برای خواننده تعیین کرد، بنابراین می توان آن را دیدگاه شخصی نویسنده قلمداد کرد، ولی این دیدگاه شخصی، فرایند مطالعات طولانی و گوناگون درباره مسائل تمدن و جامعه مدنی است... بنابر این می توانم بگویم این دیدگاه ها و تعریفها انتزاع شده از دیدگاه های متخصصان مسائل تمدن و فرهنگ و جامعه مدنی است و پی آیند مطالبی است که در کتابهای خود آورده اند.

۳. بنگرید به: آرنولد ژوزف تواین بی، مختصر دراسة التاريخ، چاپ قاهره، ۱۹۹۶ میلادی، ۱/۱۴.
۴. همان.

۵. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ۹۵/۹، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۳۶۲ هـ.ش؛ به عنوان بحث فلسفی در: تفسیر المیزان، ۲/۲۶۰ تا ۲۷۸، اثر علامه طباطبایی، با نقل به مضمون.

۶. فضل الله، محمدحسین، من وحی القرآن، بیروت، دارالزهراء، ۱۴۰۳ هـ ۱۹۸۳ م، ۱۵۳/۷-۱۵۴. سید فضل الله سخنی در این باره دارد که لطیف و طولانی است و درخور بررسی که شایسته است در منبع مطالعه شود، و ما تنها یک نکته از آن را آوردیم.

۷. موهنداس گاندی در کتابی که به عربی با دو نام ترجمه شده است: این است مذهب من و «تمدن آنها و رهایی ما» از این موضوع سخن دارد که قابل توجه است. افزون بر دیدگاه های بسیاری که به آیین هندو مرتبط می شود، همچنین دیدگاه هایی دارد در زمینه گاوپرستی که با مذاق خواننده برخورد خواهد داشت، ولی او به خوبی می داند که چگونه از فرهنگ و تمدن و گاوها و دیگر معبودهای خود دفاع کند؛ چنان که می داند چگونه تمدن غربی را رسوا سازد.

۸. می توان افزود: آیا ذهنی که می اندیشد مسلمان است یا نه، و اگر ذهن یک زن است آیا او با حجاب است یا نه؟ آیا قلمی که در جهت مصالح نیروهای استکباری می نگارد مسلمان است یا نه، و اگر نویسنده زن است آیا با حجاب است یا نه.

۹. از تبلیغ در بندهای پیاپی سخن گفتیم، ولی به دو جهت به هیچ منبعی استشهاد نکردیم: یک. زیرا این کار بسیار آسان است متون و رسانه های تبلیغاتی در دسترس همه ما هست. دو. زیرا در رسانه های تبلیغاتی از این دست گزارشها فراوان پخش می کنند.

۱۰. این نکته را با این مضمون و تحلیل از دهه ها پیش می بینیم و می شنویم، به ویژه هرگاه در رسانه ها و اجلاس ها و کنگره ها سخن درباره زن است.

۱۱. مغالطه یعنی «غلط و تعهد در غلط اندازی... که اگر ضعف در شناسایی و آگاهی و ذهن

نباشد پیش نمی آید»، شیخ محمد رضا مظفر، المنطق، ۳/۲۴۰

۱۲. جزمیت یا دگماتیسم در توصیف دیدگاه های تعصب آمیزی که بر پایه دلیل استوار نیست به کار می رود و بیشتر در توصیف باورهای اهل ایمان، ولی نگارنده آن را در باره دعوت بدون دلیل که بر

آن باورهایی بی چون و چرا استوار می شود به کار می برد. ر.ک به: «المعنى الأكبر» قاموس انگلیسی - عربی، ذیل واژه dogm. صفحه ۳۵۵-۳۵۶، تصنیف حسن سعید الکریمی، مکتبه لبنان، ۱۹۷۸؛ همچنین نهج البلاغه و تعلیم الفلسفه، محمدتقی مصباح، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ق، ۱۹۹۰م، ۵۶/۱، آنجا که می گوید: جزمیت یعنی ادعاهای غیرتحقیقی.

۱۳. درست مانند اینکه می گوییم هر ناطق، انسان است و هر انسان، ناطق است... که برای آن درمنطق مانند ریاضی علامت (•) می گذاریم. و تعریف دو مفهوم مساوی این است که «دو مفهوم که همه افرادشان مشترک است. از اینجا می فهمیم که اینها می خواهند بگویند: هر زن آزاد کار می کند و هر زنی که کار می کند آزاد است. لازمه این سخن آن است که زنی که کار نمی کند ذلیل و پیرو است، و زن ذلیل و پیرو آن زنی است که کار نمی کند. دراین باره ر.ک. به: شیخ محمدرضا مظفر، المنطق، ۶۶/۱-۶۷،

۱۴. به این معنی محال است که (س) راست باشد و (ص) دروغ. و با این حال (س) در خود (ص) را داشته باشد. این سخن که هرگاه استقلال اقتصادی زن تحقق یابد آزادی او محقق شده نمونه چنین گزاره ای است، بنابر این هر گاه آن نباشد این هم نیست.

برای تحقیق درباره کلمه لازم (تلازم) ر.ک به: الموسوعة الفلسفية، گروهی از دانشمندان و آکادمیک های شوروی، صفحه ۴۱۰، دارالطبعة للطباعة و النشر، بیروت، ۱۹۸۱م.

۱۵. متخالفین، متغایرین اند و می توانند در یک فرد جمع شوند اگر از قبیل صفات باشند، مانند سیاهی و شیرینی، شجاعت و کرم، سفیدی و حرارت... المنطق، شیخ محمدرضا مظفر، ۴۶/۱

۱۶. اینها پرسشهای فراوانی هستند که قابل ارجاع به موضوعاتی مانند شناخت خدا، شناخت هدف، شناخت راه برتر زندگی انسانی اند و پاسخ این پرسشها نیز ناممکن یا دشوار نیست، افزون بر اینکه توان پاسخ دادن به این پرسشها زندگی را معنایی دیگر می بخشد... و هر انسانی فرصتهای خالی پس از ساعات تحصیل و کار برای این منظور دارد. بنابراین هر کسی می تواند در این زمینه به پژوهش بپردازد به جای آن که وقت خود را هدر دهد... و دیگر اینکه این پرسشها برخاسته از فطرت است که یک انسان معمولی برای پاسخ آنها انگیزه دارد.

۱۷. با مراجعه به ابواب مکاسب و معاملات و مکاسب محرمه (معاملات ممنوع) و دیگر بابهای مربوطه در رساله های عملی که در دسترس همه هست، با چیزی به نام معاملات زنان، معاملات مردان... یا عقود مردان و عقود زنان بر نمی خوریم....

۱۸. سید محمدحسین فضل الله، من وحی القرآن، ۱۴۷/۷

۱۹. ضدین دو امر وجودی که از پی یکدیگر بر یک موضوع عارض می شوند نه با هم، و یکی از آنها متوقف بر تعقل دیگری نیست، مانند گرمی و سردی، سیاهی و سفید، والایی و پستی، ترس و بی باکی، سنگینی و سبکی... بنابراین حجاب و کارکردن چنان که پیش از این گفتیم ضد یکدیگر نیستند، بلکه قابل اجتماع باهم اند و مخالف با یکدیگر.

۲۰. در اینجا نمونه ای نیاوردیم، ولی می توان به شرح حال این زنان موفق اما غیر معمولی و عجیب و غریب با مراجعه به بیوگرافی زنان غربی که نشریات غرب راه منتشر می کنند یا کتابهای خاص این موضوع یا کتابهای مشاهیر ادب و هنر... دست یافت. در این منابع چیزهایی دیده می شود

که شرم را جریحه دار کرده مردان را نیز شرمنده می سازد و سنگ را به گریه وامی دارد. اینان در واقع فروپاشی انسانیت را در پس پرده موفقیت زن پنهان می کنند.

